

تاریخ وصول: ۸۵/۱۱/۲۳

تاریخ تأیید: ۸۶/۴/۲۴

مقایسه کیفیت رابطه ولی - فرزندی در دانش‌آموزان دختر دبیرستانی دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت

محمد الوندی سرابی* / علیرضا محمودنیا** / جواد کاوسیان*** / آذر دخت پرهیزگار****

دوران نوجوانی یکی از حساس‌ترین مراحل رشد انسان است. شخصیت کودک زیر تأثیر عوامل گوناگون، به خصوص والدین و خانواده، پی‌ریزی می‌شود و کودک تا حدودی دارای خصوصیات روانی و رفتاری معینی می‌گردد؛ اما همین کودک، با ورود به دنیای نوجوانی و تحت تأثیر عوامل رشدی آن دچار تغییرات مهمی در رفتار و حتی شخصیت خود می‌شود. تحول نوجوانان در ابعاد مختلف

چکیده: هویت‌یابی از مهم‌ترین تکالیف نوجوانان است. آنها با ورود به این دوره به شناخت یکپارچه در مورد خود دست می‌یابند. در این مسیر، پژوهش کنونی به بررسی و مقایسه رابطه ولی - فرزندی دانش‌آموزان دختر دبیرستانی دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت پرداخته است. آزمودنی‌ها ۶۰ دانش‌آموز دارای بحران هویت و ۶۰ دانش‌آموز فاقد بحران هویت هستند که، تصادفی، از بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهرستان کازرون انتخاب شدند. یافته‌های نتایج پژوهش نشان داد که بین دو گروه دانش‌آموزان تفاوت دیده می‌شود. نتیجه اینکه دانش‌آموزان دارای بحران هویت نسبت به دانش‌آموزان فاقد بحران هویت، به‌طور کلی، رابطه ضعیف‌تری با والدین خود دارند.

کلیدواژه: رابطه ولی - فرزندی، بحران هویت.

مقدمه

امروزه پژوهش‌های گوناگون نشان می‌دهند که

* مدرس دانشگاه پیام‌نور، مرکز نهاد
نشانی اینترنتی: Mohamad_alvandisarabi@yahoo.com
** عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم
نشانی اینترنتی: Alirezamahmudnia@yahoo.com
*** دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه تربیت معلم
نشانی اینترنتی: Javad_kavousian@yahoo.com
**** کارشناسی ارشد مشاوره
نشانی اینترنتی: Parhizgari122@yahoo.com

دیدن- به سوی هویتی مستقل تر و فردی تر است (منصور و دادستان، ۱۳۷۷). گلاسر^۵ (۱۹۷۵) معتقد است که نوجوان از طریق تعامل و درگیری عاطفی با اطرافیان و به خصوص والدین به توسعه هویت خود می‌پردازد؛ زیرا خصوصیات مشترکی دارند (شفیع‌آبادی، ۱۳۷۸). در این زمینه، تحقیقات گوناگون نشان می‌دهد که رفتار والدین در نوع برداشتی که نوجوانان از خود و از والدین‌شان دارند تأثیر دارد. همانطور که تحقیقات امبویا^۶ (۱۹۹۳) نشان می‌دهد. برداشت از خویشن به ادراکات آنها از رفتارهای والدین وابسته است (موسوی‌پور، ۱۳۷۵). همچنین، تحقیقات برنارد و دیگران، کوپر و استوارت هاسر بیانگر تأثیر شکل و ساختار روابط حاکم بر خانواده و به خصوص والدین در نوع شکل‌گیری هویت نوجوانان است (ستبرگ، به نقل از موسوی، ۱۳۷۷).

قدیمی‌ترین مقالات و تحقیقات تخصصی در زمینه نوجوانی و هویت از آن اریکسون بوده است. وی با توجه به اهمیت دوره بلوغ و نوجوانی و شکل‌گیری هویت در نوجوانان نظریه تکاملی روانی-اجتماعی را، که تصویری از دوره زندگی انسان است، ارائه کرده است (کرین، ۱۳۷۰). اریکسون به هشت مرحله تکامل در زندگی انسان قائل است. هر یک از این مراحل هشت‌گانه اوج یک بحران و حل آن است. اما بحران لزوماً جنبه ناخوشایند و مرضی ندارد؛ بلکه تنها نمایانگر یک نوع حساسیت یا شکست‌پذیری خاصی است که از عدم تعادل ناشی می‌شود. عدم تعادل نیز نتیجه رشد امکانات بالقوه جدید در فرد است (احدی و محسنی، ۱۳۷۶).

از نظر اریکسون، هویت ممکن است از دو راه

رشدی (جسمی، عاطفی، شناختی، اجتماعی و اخلاقی) تحت تأثیر عوامل گوناگونی است؛ از جمله خانواده، والدین، مدرسه، فرهنگ، دوستان، عوامل اقتصادی و سیاسی. در این باب، برنت^۱ (۱۹۷۹) و لیونگ و لیونگ^۲ (۱۹۹۹)، معتقدند که یکی از اصول بنیادین مهم در اجتماعی شدن، تعامل با آنهایی است که برای فرد اهمیت عاطفی دارند. البته والدین و خویشاوندان برای ما بسیار مهم هستند. اگرچه در طول زندگی، افرادی را برمی‌گزینیم که برای ما مهم هستند؛ مانند هم‌تایان، معلمان، دوستان، همسر، فرزندان و حتی شخصیت‌های رسانه‌ای، اما این نقش‌ها هیچ‌گاه مانند آنها که در مرحله نخست با ما تعامل داشته‌اند مؤثر نیستند. بنابراین، کنش متقابل با بستگان نزدیک، به خصوص والدین، که روابط پیوسته با آنها وجود دارد، بیشترین تأثیر را در گسترش شخصیت دارد. برخلاف تصور عموم مردم که معتقدند تأثیر والدین بر تحول فرزندان در دوره نوجوانی کم‌رنگ است، تحقیقات نشان داده‌اند که بازخوردهای والدین در دوره نوجوانی همانند دیگر دوره‌های تحول اهمیت دارد (هرز^۳ و گالون^۴، ۱۹۹۹، به نقل از برجلی، ۱۳۷۸).

سوابق پژوهشی

هویت‌یابی نوجوانان، که در این دوره زندگی از مهم‌ترین تکالیف رشدی و تحولی محسوب می‌شود، می‌تواند با بازخوردها و رفتارهای والدین و تعامل آنها با فرزند نوجوان خود پیوند قوی داشته باشد. چنانچه اریکسون (۱۹۶۸) معتقد است والدین، همسالان و معلمان در توصیف نقش‌ها اهمیتی اساسی دارند و مفهوم «خود» در نوجوانی مستلزم رها کردن ادارک آینه‌ای خویشن - یعنی خود را انعکاسی از والدین و همسالان و یا معلمان

1. Berndt 2. lenng & lenng
3. Herz 4. Gullone
5. Glasser 6. Mboya

هویت زودرس، از راه مشابه به هویت می‌رسند. پسران در مقایسه با دختران، اغلب هویت زودرس دارند. در محدوده نقش‌های خانوادگی هویت دیررس و موفق در زنان شایع‌تر از مردان است (شکرای، ۱۳۸۰).

به اعتقاد اولک و مک کارتی فرهنگ، اجتماع و عوامل روان‌شناختی، در هویت‌یابی دختران و رشد قوای ایگو در سراسر دوران کودکی آنها مؤثر است. آگاهی «ایگو» و فشار فرهنگی مراحل هویت‌یابی دختران را سخت‌تر می‌کند و آنها ضعیف‌تر به هویت-یابی می‌رسند. فشارهای فرهنگی و عدم توافق درونی احساس آشفتگی هویت همراه با شکست را در دختران نوجوان، گسترش می‌دهد که به یک وجود حاشیه‌ای، بدون حمایت چشمگیر اجتماعی، منجر می‌شود (Olleck & Mc Carthy, 1997: 65-80).

واترمن و همکارانش (۱۹۷۴) در باب شکل‌گیری هویت در نوجوانان تحقیق کرده‌اند. در این تحقیق ۵۳ نفر مرد که، پیش از این، در سال اول دبیرستان برای حالات هویت مصاحبه شده بودند در سال آخر دانشگاه نیز مصاحبه شدند و، بدین ترتیب مطالعات طولی در رشد هویت صورت گرفت. واترمن و همکارانش افزایش معناداری را در تعداد دانشجویان سال آخر که به هویت پیشرفته رسیده‌اند هم در هویت شغلی و هم در ایدئولوژی مشاهده کردند. در تحقیق، این فرض که با افزایش سن حالات هویت استحکام بیشتری می‌یابند تصدیق شد (رئسی، ۱۳۷۶).

مطالعات نشان داده‌اند که الگوهای تعامل خانوادگی با منزلت‌های هویتی رابطه دارند؛ مثلاً نوجوانانی که بارها از سوی خانواده طرد می‌شوند

منحرف شود. ممکن است بیش از آنکه رشد کند تثبیت شود - یعنی پیش از موعد شکل گیرد- و یا اینکه بدون هیچ محدودیتی گسترش پیدا کند. عدم موفقیت یک نوجوان در شکل دادن به هویت فردی خود، اعم از اینکه به علت تجارب نامطلوب کودکی و یا شرایط نامساعد فعلی باشد، بحرانی ایجاد می‌کند که «بحران هویت» نام دارد. عدم توانایی در انتخاب شغل یا عدم ادامه تحصیل، غالباً نمودی از بحران هویت یا گم‌گشتگی در نقش اجتماعی است. بسیاری از نوجوانان، هنگامی که دچار بحران هویت می‌شوند، احساس پوچی، از خودبیگانگی، تنهایی و غربت می‌کنند (شاملو، ۱۳۷۰). در زمینه رابطه جنسیت و هویت‌یابی تحقیقات مختلفی انجام شده؛ از جمله برطبق تحقیقات استنبرگ^۷ (۱۹۹۶) براساس استقلال و وابستگی، رشد هویت مردانه بیشتر براساس استقلال است تا وابستگی، درست در مقابل رشد هویت زنانه که بیشتر بر محور وابستگی است (شکرای، ۱۳۸۰).

مارسیا، در این زمینه نتیجه گرفت که زنان برای تأیید شدن تحت فشارند. آنها ارزش‌های اجتماعی را انتقال می‌دهند. برای آنها، ثبات هویت خیلی مهم است. سازگاری برای آنها هویت موفق در زندگی است، بدون اینکه برای پیشرفت هویتشان تلاش کنند. زنان مانند الگوی اساسی مردان در نظریه اریکسون منتظر نمی‌مانند تا به رشد توانایی صمیمت برسند و پس از آن به هویت موفق نایل شوند. در آنها هویت و صمیمیتی با هم رشد می‌کند. البته بخشی از الگوهای متفاوت در پسران و دختران ممکن است از رفتار متفاوت جنسیتی والدین ایجاد شود (فیض درگاه، ۱۳۷۴).

آرچر^۸ (۱۹۸۲) با مطالعه مقطعی فرم مصاحبه مارسیا نشان می‌دهد که دختران و پسران، به جز

7. Stenberg

8. Archer

قابل ملاحظه‌ای در جریان شکل‌گیری هویت زنان دارد تا مردان (Schulthesiss & Schultheiss & Blustein, 1994: 159-166).

کوپر و کارلسون^{۱۱} (۱۹۹۱) به نقل از ادامز (۱۹۹۸) بر این باورند که جوّ خانوادگی که هم به فردیت و هم به دل‌بستگی توجه می‌کند، سبب رشد هویت نوجوانان می‌شود. در این باب هاسر^{۱۲} و همکاران (۱۹۹۱) به نقل از برزنسکی^{۱۳} (۱۹۹۴) نشان دادند والدینی که تقویت رفتارهای ماهرانه فرزندان آنها جزئی از روش‌های تربیتی آنهاست، بیش از والدینی که کنترل شدیدتری بر اعمال و رفتار فرزندان خود دارند، سبب تسهیل رشد هویت می‌شوند. هارتر^{۱۴} (۱۹۹۹) نیز نشان داد والدینی که به خواسته‌های مختلف نوجوانان در یک جوّ صمیمی و حمایتی سالم پاسخ می‌دهند، الگوی سالمی از رشد هویت را می‌پرورند.

والدینی که با دادن آزادی‌های بیش از حد به نوجوانان، آنها را به حال خود رها می‌کنند و در برخورد با موقعیت‌های مختلف تصمیم‌گیری، آنها را همراهی نمی‌کنند، سبب می‌شوند که این نوجوانان تصور کنند که حمایت و راهنمایی از والدین دریافت نمی‌کنند، در نتیجه، با احساس تردید و شک به امکانات خارج از خود نگاه می‌کنند. این عامل می‌تواند سبب سردرگمی در وضعیت هویت آنها شود (بنسون و همکاران، ۱۹۹۲، به نقل از برزنسکی ۲۰۰۰).

با توجه به این واقعیت که هم‌اکنون بیش از ۲۰ میلیون جوان و نوجوان در کشور زندگی می‌کنند و نیروی محرکه و پویایی جامعه را همین قشر تشکیل می‌دهد، بایستی به مسئله هویت‌یابی نوجوانان اهمیتی بیش از گذشته داده شود و با آنان

به احتمال بیشتری در منزلت بحران هویتی (سردرگم) قرار می‌گیرند. در مطالعه دیگری که کوپر^۹ (۱۹۸۹) انجام داده است دانش‌آموزانی که در منزلت هویتی بحران‌زده قرار دارند، در خانواده تأمین عاطفی و آزادی شخصی ندارند. این نوجوانان احساسی از زندگی و احترام توأم با احساس آزادی را در مخالفت‌هایشان با والدین تجربه می‌کنند (برجعی، ۱۳۸۰).

تحقیقات برنارد^{۱۰} (۱۹۸۱)، انرایت و دیگران (۱۹۸۰) و مارسیا (۱۹۸۰) نشان می‌دهند که والدین دموکرات که نوجوانان خود را تشویق به شرکت در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی می‌کنند، هویت توفیق را در آنان پرورش می‌دهند. والدین دیکتاتوری که رفتار نوجوانان را کنترل می‌کنند، بدون اینکه به آنها اجازه ابراز وجود بدهند، هویت فرمایشی را در آنها پرورش می‌دهند و بالاخره والدین سهل‌انگار که راهنمایی کمی به نوجوانان ارائه می‌دهند و اجازه تصمیم‌گیری را کاملاً در اختیار خود نوجوانان می‌گذارند هویت سرگردان را در آنها ایجاد می‌کنند (موسوی، ۱۳۷۷).

در پژوهشی که شولتز و بلوستین انجام دادند نقش جدایی نوجوانان و دل‌بستگی والدین در جریان شکل‌گیری هویت آنها بررسی شد. در این پژوهش ۹۲ دانشجوی زن و ۸۲ دانشجوی مرد مقیاس دل‌بستگی والدین، جدایی روان‌شناختی و حالات هویت شخصی را تکمیل کردند. برای همه نمونه‌ها، متغیرهای جدایی روان‌شناختی به‌طور قابل ملاحظه، با حالات هویت شخصی ارتباط داشت. همچنین، برای زنان دل‌بستگی والدین یک پیش‌گوی مهم برای حالات هویت شخصی بود. اختلاف جنسی در ارتباط بین روابط نوجوانان-والدین و جریان شکل‌گیری هویت وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که دل‌بستگی والدین نقش

9. Copper
11. Carlson
13. Berzooniski
10. Bernard
12. Hauser
14. Harter

ابتدا شهرستان کازرون به ۵ قسمت شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب تقسیم و بعد از هر بخش یک مدرسه، به تصادف، انتخاب شد. سپس از هر مدرسه یک کلاس از سال اول، یک کلاس از سال دوم و یک کلاس از سال سوم، تصادفی، انتخاب شدند. بعد از آن از بین دانش‌آموزان هر کلاس تعداد دانش‌آموزان مورد نظر، به تصادف سیستماتیک، انتخاب شدند. در هر کلاس تعداد دانش‌آموزان مورد نظر به تناسب جمعیت کلاس انتخاب شدند و در این مرحله پرسش‌نامه آزمون هویت شخصی و رابطه ولی - فرزندی به آزمودنی‌ها ارائه شده است. سپس از بین این نمونه‌ها، براساس پرسشنامه آزمون هویت شخصی، دانش‌آموزان دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت مشخص شدند.

در پایان ۶۰ دانش‌آموز دارای بحران هویت و ۶۰ دانش‌آموز فاقد بحران هویت که از لحاظ سن و وضعیت اقتصادی - اجتماعی با دانش‌آموزان فاقد بحران هویت هم‌تا شده بودند به نام نمونه آماری برای مقایسه روابط ولی - فرزندی برگزیده شدند.

ابزار پژوهش

آزمون هویت شخصی: آزمون هویت شخصی را احمدی در دانشگاه اصفهان ساخته است. برای ساختن آزمون هویت شخصی ابتدا معیارهای تشخیص بحران هویت از کتاب‌های تشخیصی از قبل مشخص گردید. این معیارها عبارتند از: (۱) اشکال در اهداف بلند مدت؛ (۲) تردید در انتخاب شغل؛ (۳) نداشتن الگوی مناسب برای رفاقت؛ (۴) نامتناسب بودن رفتار جنسی؛ (۵)

برای یافتن هویتی سالم یاری شود. در این میان شناخت عوامل مربوط و مؤثر با هویت‌یابی و بحران هویت نوجوانان می‌تواند ما را یاری کند. بنابراین، پژوهش کنونی نیز به بررسی و شناخت یکی از عوامل مربوط به این فرایند، یعنی رابطه ولی - فرزندی، پرداخته است. نوجوانان در این دوره به کسب استقلال از والدین تمایل دارند و به دنبال هویتی مستقل هستند؛ اما خواه‌ناخواه، بیشترین ارتباط را در محیط خانواده و با والدین دارند و تحت تأثیر این سیستم قرار می‌گیرند و بسیاری از تحولات شخصیتی آنها در این روابط تعیین می‌شود. بنابراین، بررسی کیفیت ارتباط دانش‌آموزان با والدین و رابطه آن با خصوصیات شخصی نوجوانان اهمیت به‌سزایی دارد. از این راه می‌توان با دادن آگاهی به والدین و خانواده‌ها در تأمین سلامت و بهداشت روانی اعضای خانواده مؤثر بود.

در مسیر هدف تحقیق فرضیه‌های زیر تدوین شد:

۱. بین کیفیت رابطه مادر - فرزندی دانش‌آموزان دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت تفاوت وجود دارد؛
۲. بین کیفیت رابطه پدر - فرزندی دانش‌آموزان دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق

در این تحقیق، جامعه مورد پژوهش همه دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهرستان کازرون است که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای،

ضریب اعتبار اسپرمن- براون ضریب اعتبار آزمون هویت شخصی ۹۲٪ محاسبه شد (احمدی، ۱۳۷۸).

آزمون روابط ولی- فرزندی

فرم اصلی این پرسشنامه را مارک ای فاین، جی مورلند و اندرو شوبل با هدف سنجیدن کیفیت روابط ولی- فرزندی طراحی کرده‌اند. فرم اصلی این مقیاس یک ابزار ۲۴ سؤالی برای سنجیدن نظر جوانان در باب رابطه آنان با والدینشان است. این ابزار برای سنجیدن رابطه هر فرد- حتی بزرگسالان- با والدینشان مفید است مقیاس رابطه ولی- فرزندی دو صورت دارد، یکی برای سنجیدن رابطه فرزند با مادر و یکی هم برای سنجیدن رابطه فرزند با پدر.

فرم اصلی (مقیاس رابطه ولی- فرزندی) با ضرایب آلفای ۰/۸۹ تا ۰/۹۴ برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به پدر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ و ضرایب آلفای ۰/۶۱ (همانندسازی) تا ۰/۹۴ برای خرده‌مقیاس‌های مربوط به مادر و نیز آلفای کلی ۰/۹۶ از همسانی درونی عالی برخوردار است.

روش آماری تحلیل داده‌ها

در این تحقیق از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. برای توصیف داده‌ها، فراوانی، فراوانی درصدی، میانگین و انحراف معیار به کار رفته و برای تعیین تفاوت گروه‌ها از آزمون t استیودنت استفاده شده است.

اشکال در شناخت و معرفت دینی؛ ۶) عدم توجه به ارزش‌های اخلاقی؛ ۷) رعایت نکردن تعهد گروهی؛ ۸) اختلال در تنظیم وقت؛ ۹) نداشتن الگوی مناسب برای تشکیل خانواده؛ ۱۰) داشتن دید منفی نسبت به خود. سپس برای هر معیار سؤال‌هایی با درجات کم تا زیاد طرح شد.

نمره‌گذاری آزمون به این صورت است که انتخاب گزینه اول هر سؤال نمره صفر دارد و نشانه نبودن اشکال هویتی است. انتخاب گزینه دوم با نمره ۱، گزینه سوم با نمره ۲، و گزینه چهارم با نمره ۳ نشان درجات ضعیف تا شدید بحران هویت در فرد است. حداکثر نمره آزمون که نشان‌دهنده بالاترین بحران هویت است، برابر با ۳۰ و حداقل نمره بحران هویت ۹ است. پایین‌تر از نمره ۹ نشانه نداشتن بحران هویت است.

این آزمون برای اعتباریابی، پس از تنظیم به متخصصین دانشکده‌های علوم تربیتی دانشگاه اصفهان و آزاد اسلامی واحد خوارسگان داده شد و آنان روایی محتوایی آن را تأیید کردند. سپس آزمون روی ۶۰ دانش‌آموز دبیرستانی اصفهان اجرا شد. آنان قابل فهم بودن و رسا و روشن بودن سؤال‌ها و روایی صوری آن را تأیید کردند. نمرات به دست آمده از این دانش‌آموزان با دو نیمه کردن (زوج و فرد) بررسی شد و ضریب اعتبار آزمون ۰/۷۸ به دست آمد. پژوهشگران دوباره پرسشنامه را در بین ۳۰ دانشجو توزیع و ضریب همبستگی ۰/۸۹ را به دست آوردند. آنگاه با استفاده از

یافته‌ها

جدول شماره ۱. اطلاعات مربوط به تعداد دانش‌آموزان دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت در هر سال تحصیلی

سال تحصیلی	فراوانی	فراوانی درصدی		دانش‌آموزان دارای بحران هویت		دانش‌آموزان فاقد بحران هویت	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
سال اول	۶۰	۲۵	۴۱/۶۶٪	۳۵	۵۸/۳۳٪		
سال دوم	۶۵	۲۲	۳۳/۸٪	۴۳	۶۶/۱۵٪		
سال سوم	۷۵	۱۳	۱۷/۳٪	۶۲	۸۲/۶٪		
نمره کل	۲۰۰	۶۰	۳۰٪	۱۴۰	۷۰٪		

همان‌گونه که جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، به‌طور کلی تعداد و فراوانی درصدی کل دانش‌آموزان دارای بحران هویت کمتر از دانش‌آموزان فاقد بحران هویت است. در همه نمونه‌ها ۳۰٪ از دانش‌آموزان دارای بحران هویت در سال اول ۴۱/۶۶٪، در سال دوم ۳۳/۸٪ و در سال سوم ۱۷/۳٪ است. به این ترتیب مشخص می‌شود که بحران هویت در دانش‌آموزان سال‌های پایین‌تر، یعنی سنین کمتر، بیشتر از دانش‌آموزان سال‌های بالاتر (سنین بالاتر) شیوع دارد.

جدول شماره ۲. اطلاعات مربوط به تعداد اعضای خانواده هر دو گروه دانش‌آموزان دارای بحران و فاقد بحران هویت

جدول شماره ۲. اطلاعات مربوط به تعداد اعضای خانواده هر دو گروه دانش‌آموزان دارای بحران و فاقد بحران هویت

تعداد اعضای خانواده								تعداد دانش‌آموزان	دانش‌آموزان
۹ نفر و بیشتر		۶ تا ۸ نفر		۵ نفر و کمتر		فراوانی	فراوانی درصدی		
فراوانی	فراوانی درصدی	فراوانی	فراوانی درصدی	فراوانی	فراوانی درصدی	فراوانی	فراوانی درصدی		
۰	۰٪	۳۴	۵۷٪	۲۶	۴۳٪	۶۰	۳۰٪	دارای بحران هویت	
۲۴	۱۷٪	۹۳	۶۶/۴٪	۲۳	۱۶/۴٪	۱۴۰	۷۰٪	فاقد بحران هویت	

این خانواده‌ها زندگی می‌کنند؛ در حالی که در خانواده‌های پرجمعیت (۹ نفر و بیشتر) این درصد در دانش‌آموزان دارای بحران هویت و در دانش‌آموزان فاقد بحران هویت ۱۷٪ است. این یافته به معنی آن است که فرزندان خانواده‌های پرجمعیت کمتر از فرزندان خانواده‌های کم جمعیت دچار بحران می‌شوند.

همان‌گونه که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، ۴۳ درصد از دانش‌آموزان دارای بحران هویت متعلق به خانواده‌های کم جمعیت (۵ نفر و کمتر) و ۱۶/۴٪ از دانش‌آموزان فاقد بحران هویت متعلق به این خانواده‌ها هستند. همچنین، ۵۷٪ از دانش‌آموزان دارای بحران هویت در خانواده‌های متوسط (۶ تا ۸ نفر) و ۶۶/۴٪ از دانش‌آموزان فاقد بحران هویت در

جدول شماره ۳. اطلاعات مربوط به اشتغال پدر و مادر در هر دو گروه دانش‌آموزان دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت

اشتغال مادر		اشتغال پدر						فرآوانی درصد	فرآوانی	دانش‌آموزان
شاغل		خانه دار		کارمند		آزاد				
فرآوانی درصد	فرآوانی	فرآوانی درصد	فرآوانی	فرآوانی درصد	فرآوانی	فرآوانی درصد	فرآوانی	فرآوانی درصد	فرآوانی	
۱۳/۳٪	۸	۸۶/۶٪	۵۲	۶۰٪	۳۶	۴۰٪	۲۴	۳۰٪	۶۰	دارای بحران هویت
۱۳/۵٪	۱۹	۸۶/۴٪	۱۲۱	۳۱/۴٪	۴۴	۶۸/۵٪	۹۶	۷۰٪	۱۴۰	فاقد بحران هویت

همان‌گونه که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، ۴۰٪ پدران

دانش‌آموزانی که دچار بحران هویت هستند مشاغل آزاد و ۶۰٪ مشاغل دولتی دارند در حالی که ۶۸/۵٪ پدران دانش‌آموزان فاقد بحران هویت دارای مشاغل آزاد و ۳۱/۴٪ دارای مشاغل دولتی هستند. فرضیه ۱: بین کیفیت رابطه مادر- فرزند دانش-آموزان دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت تفاوت وجود دارد.

۴۰٪ پدران دانش‌آموزانی که دچار بحران هویت هستند مشاغل آزاد و ۶۰٪ مشاغل دولتی دارند در حالی که ۶۸/۵٪ پدران دانش‌آموزان فاقد بحران هویت دارای مشاغل آزاد و ۳۱/۴٪ دارای مشاغل دولتی هستند.

جدول شماره ۴. میانگین، انحراف معیار، واریانس، مقدار t مشاهده شده، درجه آزادی و سطح معناداری مربوط به کیفیت رابطه مادر - فرزند

مقوله	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
مادر	فاقد بحران هویت	۶۰	۱۱۷/۰۶۷۰	۷/۲۰۴	۶/۵۱	۷۷/۶۴	/۰۰۱
	دارای بحران هویت	۶۰	۹۸/۸۳۳	۲۰/۵۴۳			

همان‌گونه که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، با توجه به اینکه t مشاهده شده (۶/۵۱) با درجه آزادی ۷۷/۶۴ (به دلیل آنکه انحراف معیار دو گروه همگن نیستند بر طبق جدول f درجه آزادی ۷۷/۶۴ است) و سطح معناداری (p</math>۰۰۱)، می‌توان گفت که بین دو گروه دانش‌آموزان فاقد بحران هویت و دارای هویت در رابطه مادر- فرزند تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین نوجوانان فاقد بحران هویت بیشتر از میانگین دانش-آموزان دارای بحران هویت است. فرضیه ۲: بین کیفیت رابطه پدر- فرزند دانش-آموزان دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت تفاوت وجود دارد.

همان‌گونه که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، با توجه به اینکه t مشاهده شده (۶/۵۱) با درجه آزادی ۷۷/۶۴ (به دلیل آنکه انحراف معیار دو گروه همگن نیستند بر طبق جدول f درجه آزادی ۷۷/۶۴ است) و سطح معناداری (p</math>۰۰۱)، می‌توان گفت که بین دو گروه دانش‌آموزان فاقد بحران هویت و دارای هویت در رابطه مادر- فرزند تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین نوجوانان فاقد بحران هویت بیشتر از میانگین دانش-آموزان دارای بحران هویت است.

جدول شماره ۵. میانگین انحراف معیار، مقدار t، درجه آزادی و سطح معناداری مربوط به کیفیت رابطه پدر - فرزند

مقوله	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
پدر	فاقد بحران هویت	۶۰	۱۱۰/۲۳۳	۱۱۰/۲۳۳	۴/۷۰۲	۱۱۸	۰/۰۰۰
	دارای بحران هویت	۶۰	۹۲/۳۶۷	۲۲/۴۳۰			

توانایی‌های خویش انتظار انجام کارهای گوناگون را داشته باشند (خلیلی شورینی، ۱۳۷۷).

در رابطه با تعداد افراد خانواده دانش‌آموزان، اطلاعات جمع‌آوری شده نشان می‌دهند که حدود ۴۳٪ از دانش‌آموزان دارای بحران هویت در خانواده کم‌جمعیت، یعنی ۵ نفر و کمتر، به‌سر می‌برند؛ در حالی که تنها ۱۶٪ از دانش‌آموزان فاقد بحران هویت متعلق به این خانواده‌ها هستند. همچنین در خانواده‌هایی با جمعیت متوسط، یعنی ۶ تا ۸ نفر، دانش‌آموزان دارای بحران هویت هیچ درصدی را به خود اختصاص نمی‌دهند، اما ۱۷٪ از دانش‌آموزان فاقد بحران هویت متعلق به این خانواده‌ها هستند.

با یک مقایسه کلی می‌توان دریافت که دانش‌آموزان دارای بحران هویت به نسبت دانش‌آموزان فاقد بحران هویت بیشتر متعلق خانواده‌های با جمعیت کمتر یا متوسط هستند.

در زمینه جمعیت خانواده تحقیقات بوسارد (۱۹۶۰) نشان می‌دهد که هرچند در خانواده‌های کم‌جمعیت امور خانواده در رابطه با فرزندان، مانند فضای لازم، تعلیم و تربیت و سرانجام رشد و بالندگی کودکان مورد توافق قرار می‌گیرد، سرمایه‌گذاری گسترده‌ای بر روی هر کودک انجام می‌گیرد. کودک تحت فشار شدید برای برآوردن انتظارات و خواسته‌های والدین است و در همه فعالیت‌ها، رشد و تحول فرزندان با همسایگان آنان مقایسه می‌شود (خلیلی شورینی، ۱۳۷۷). این امر در فرایند هویت‌یابی نوجوانان این خانواده‌ها اختلال ایجاد می‌کند.

اطلاعات جمع‌آوری شده در باب اشتغال والدین نشان می‌دهد که پدران ۴۰٪ دانش‌آموزان دارای بحران هویت مشاغل آزاد و ۶۰٪ مشاغل دولتی دارند. در

همان‌گونه که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، با توجه به t مشاهده شده (۴/۷۰۲) با درجه آزادی ۱۱۸ در سطح معناداری ($p < ۰/۰۰۱$) می‌توان نتیجه گرفت که بین دو گروه دانش‌آموزان فاقد بحران هویت و دارای هویت در رابطه پدر-فرزند تفاوت معناداری وجود دارد. از آنجایی که میانگین گروه فاقد بحران برای هویت از گروه دارای بحران هویت بالاتر است؛ پس نتیجه گرفته می‌شود که رابطه پدر-فرزند در گروه فاقد بحران هویت بهتر است و آنها تعامل رضایت بخش‌تری با پدر خود نسبت به گروه مقابل دارند.

نتیجه‌گیری

براساس اطلاعات ارائه شده، درصد دانش‌آموزان دارای بحران هویت در سال اول دبیرستان ۴۱/۶۶٪، در سال دوم ۳۳/۸٪ و در سال سوم ۱۷/۳٪ است. بنابراین، با توجه به این ارقام می‌توان دریافت که میزان بحران هویت در دانش‌آموزان سال‌های پایین‌تر، یا به عبارتی، سنین کمتر، بیشتر از دانش‌آموزان سنین بالاتر است. تحقیق واترمن و همکارانش در زمینه رابطه سن و هویت نوجوانان (۱۹۷۴) نشان می‌دهد که با افزایش سن، حالات هویت استحکام بیشتری می‌یابند.

با بالا رفتن سن، مفهوم نقش‌هایی که به انسان واگذار می‌شود، یعنی نقش‌های اجتماعی، جنسی و وظایف هر نقش، به‌طور وضوح برای فرد، روشن می‌شود و از آنجا که نوجوانی دوران تلاش بسیار برای شناخت هویت است، با پیشرفت در دوره نوجوانی، ثبات در رفتار افزایش می‌یابد. همچنین ارزیابی واقعی توانایی‌ها با بالا رفتن سن نسبت مستقیم دارد، زیرا جوانان با افزایش تجربه، می‌توانند از نقاط مثبت و منفی خود بهتر آگاه شوند و بر همین اساس از

هویت نسبت به دانش‌آموزان فاقد بحران هویت رابطه‌ی ضعیف‌تری با پدر خود دارند.

تحقیقات کوپر، گراتوانت (۱۹۸۳) و استوارت هاسر در زمینه‌ی فضای خانواده و تأثیر آن بر هویت‌یابی نشان می‌دهد که شکل‌گیری هویت نوجوانان در ارتباط‌های خانوادگی گسترش می‌یابد؛ اما سبک‌های مختلف خانوادگی باعث پرورش هویت‌های مختلف در نوجوانان می‌شود. خانواده‌هایی که از رفتارهای باز استفاده می‌کنند، سیر تکاملی هویت نوجوانان را بیشتر تسهیل می‌کنند تا خانواده‌هایی که از رفتارهای بسته‌ای مثل قضاوت استفاده می‌کنند.

همچنین پژوهش‌های آدامز و جونز (۱۹۸۳) به نقل از آدامز (۱۹۹۸) و مارسیا (۱۹۸۰) که به شیوه‌های فرزندپروری و ارتباط آن با شکل‌گیری هویت نوجوانان توجه دارد نشان می‌دهد که نوجوانانی که در مراحل بالای هویتی قرار دارند، دارای والدین دموکراتی هستند که استقلال نوجوانانشان را تشویق و کنترل کمی اعمال می‌کنند. اما نوجوانان با هویت سردرگم و دنباله‌رو از شیوه‌های فرزندپروری غیرثابت والدین و یا کنترل بیش از حد آنها گزارش می‌کردند.

همچنین تحقیقات کوپر و گراتوانت (۱۹۸۳) نشان می‌دهد که الگوهای متفاوت تعامل والدین - نوجوان پیش‌بینی‌کننده‌ی میزان کشف هویت برای نوجوانان دختر و پسر است. تحقیقات شولتز و بلوستین (۱۹۹۴) نیز نشان داد که دلبستگی به والدین یک پیش‌بینی‌کننده‌ی مهم برای حالات هویت شخصی نوجوانان به‌خصوص دختر است.

به‌طور کلی براساس یافته‌های این دو فرضیه می‌توان گفت که بین کیفیت رابطه‌ی والدین با نوجوانانشان وجود یا فقدان بحران هویت در آنها رابطه وجود دارد.

حالی که در دانش‌آموزان فاقد بحران هویت ۶۸/۵٪ پدرانی با مشاغل آزاد و ۳۱/۴٪ پدرانی با مشاغل دولتی دارند. با مقایسه‌ی این ارقام درمی‌یابیم که پدران دانش‌آموزان دارای بحران هویت بیشتر مشاغل دولتی دارند تا آزاد. از آنجا که بیشتر مشاغل آزاد پدران در این پژوهش مشاغل پردرآمدی هستند (مغازه‌دار، بازاری، راننده) و نسبت به مشاغل دولتی از سطح اقتصادی بالایی برخوردارند، بنابراین دانش‌آموزانی که دارای پدران با مشاغل آزاد هستند بحران هویتی کمتری دارند.

تحقیقات بایرن (۱۹۹۴) در باب مسائل اقتصادی نشان می‌دهد که شرایط بد اقتصادی در ارتباط غیرمستقیم با کاهش فاکتورهای روان‌شناختی مثبت و کاهش سطوح رشد هویت بوده است و تنگنای اقتصادی در ارتباط منفی با رشد هویت و سازگاری مثبت روان‌شناختی است.

همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که ۸۶/۶٪ از مادران دانش‌آموزان دارای بحران هویت خانه‌دار و ۱۳/۳٪ شاغل هستند. در صورتی که ۸۶/۴٪ از مادران دانش‌آموزان فاقد بحران هویت خانه‌دار و ۱۳/۵٪ شاغل هستند پس درمی‌یابیم اکثر مادران هر دو گروه خانه‌دار هستند.

با مقایسه‌ی میانگین‌های دو گروه در زمینه‌ی رابطه‌ی مادر-فرزندی، یعنی ۹۸/۸۳۳ در دانش‌آموزان دارای بحران هویت و ۱۱۷/۰۶۷ در دانش‌آموزان فاقد بحران هویت، می‌توان دریافت که دانش‌آموزان دارای بحران هویت نسبت به دانش‌آموزان فاقد بحران هویت رابطه‌ی ضعیف‌تری با مادر خود دارند.

مقایسه‌ی میانگین‌های دو گروه در رابطه‌ی پدر-فرزندی، یعنی ۹۲/۳۶۷ در دانش‌آموزان دارای بحران

تحصیلی ۱۷۵-۱۷۴، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تربیت معلم؛
 موسوی، معصومه (۱۳۷۷)، مشاوره فردی با رویکرد واقعیت‌درمانی بر بحران هویت در دختران نوجوان ۱۵-۱۸ سال سوم متوسطه ناحیه یک کرج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره، دانشگاه تربیت معلم؛

Allison, Barbaran & Schulfz, Jerelyn B. (2001), "Interpersonal Identity formation during early adolescence", *Journal of Adolescence Fall*, Vol.36.Issue 143.P,509- 15;

Dickman, Emerson. (1999), *Adopted child stants, Individuation Identity and adolescent Behavior the Pathogenesis of Adoption*;

Markstrom.Adoms,Carol:Hofstra-Greta.Dongner-kirk. (1994), "the ego Virtue of fidelity :A case for the study of religion and Identity formation adolescence", *journal of youth and Adolesnce* , Adolescence , Ang. Vol. 23(4), 53-459;

Masche, J. Gower. Barber, Briank (2001), *Connectedness and separation in parent-adolescent relationships, Indicators of successful identity development?*;

Olleck, Lranne Mc.Carty.Janes. (1997), Impediments to genity formation in female adolescents , *Psycho analytic-Psychology* , Win vol 14 (1);

Shulthesiss, Donna-palladino Blustein. David-I (1994), *Contributions of counseling and Development* , Nov-Dec,Vol. 73 (2);

Taylor, Ronald, D. Oskay, Rulter (1995), "Identity formation in Turkish and American Iate adolescents" *Journal psychology*, Jan,Vol. 26 (1) 8-22;

Vandewiele, Michel Wolof (1987), "adolescents perception of their parents" *Journal of psycholpogy*, Nov, Vol. 109 Issue 2, P: 5. ■

همچنان که نتایج نشان می‌دهد، نوجوانان دختر این پژوهش که دارای بحران هویت هستند نسبت به آنهایی که بحران هویت ندارند رابطه ضعیف‌تری هم با پدر و هم با مادر خود دارند.

منابع

- احمدی، حسن و محسنی، نیک‌چهر (۱۳۷۶)، روانشناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی. نشر بنیاد؛
- برجلی، احمد (۱۳۸۰)، تحول شخصیت در نوجوان، انتشارات ورا دانش؛
- خلیلی شورینی، سیاوش (۱۳۷۷)، روانشناسی نوجوانی، رشد، رفتار مسائل و ارائه راه کارها، نشر یادواره کتاب؛
- شامل، سعید (۱۳۷۰)، مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت، انتشارات رشد؛
- شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۷۸)، روانشناسی رشد، انتشارات اطلاعات؛
- شفیع‌آبادی، عبدالله (۱۳۷۰)، مبانی روانشناسی رشد، شرکت سهامی چهر؛
- کرین، ویلیام سی (۱۳۷۱)، پیشگامان روانشناسی رشد، ترجمه فرید فدایی، انتشارات اطلاعات، تهران؛
- ماسن، پاول هنری و دیگران (۱۳۷۳)، رشد شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، نشر مرکز؛
- منصور، محمود و دادستان، پریرخ (۱۳۷۷)، روانشناسی ژنتیک ۲ (از روان-تحلیل‌گری تا رفتارشناسی)، انتشارات ژرف؛
- احمدی، سیداحمد، رضوانی‌نژاد، محبوبه (۱۳۷۸)، تأثیر آموزش گروهی به روش واقعیت‌درمانی بر بحران هویت دانشجویان، فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۱، شماره ۳ و ۴؛
- رئیس، فاطمه (۱۳۷۶)، بررسی تأثیر مشاوره گروهی بر کاهش بحران هویت نوجوانان دختر مقطع متوسطه نواحی ۳ و ۴ شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم؛
- شکرای، زهرا (۱۳۸۰)، بررسی و مقایسه پایگاه‌های هویت در میان دختران و پسران دانشجو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد و روانشناسی عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی؛
- موسوی‌پور، سعید (۱۳۷۵)، بررسی رابطه بین شناخت خویشتن والدین فرهنگی و غیر فرهنگی با هویت‌یابی فرزند نوجوان آنها در شهر اراک، سال